

بررسی شیوه بهره‌گیری صائب تبریزی از آموزه‌های قرآن و حدیث

در پردازش موتیف «دنیا» در غزلیات

طاهره میرهاشمی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه اراک.

t-mirhashemi@araku.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله علمی - مروری صفحه (۱۶۲ - ۱۸۶) دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۶	صائب تبریزی، از غزل‌سرایان شاخص سبک هندی در قرن یازدهم هجری، شاعری دین‌مدار است که در کنار نوگرایی زبانی و تصویری، تأثیرپذیری عمیقی از تعالیم قرآن و روایات اسلامی داشته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر موتیف «دنیا» در غزلیات او، به این پرسش می‌پردازد که موتیف «دنیا» در غزلیات صائب بر اساس کدام آموزه‌های دینی و در قالب چه تصاویری نمود یافته است؟ این بررسی با روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب تحلیل محتوا انجام شده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که موتیف «دنیا» در شعر صائب بر اساس سه نگرش مهم قرآنی و روایی بازنمایی شده است: «نگرش منفی» (با فراوانی بالا) که دنیا را فریبنده و ناپایدار می‌داند و از تصویرهایی چون «سراب»، «مار»، «دام» و «سایه» برای القای آن بهره می‌گیرد؛ «نگرش بینابین» که دنیا را گذرگاه عبرت، ساحت آزمون و محلی برای تعالی معنوی می‌داند و با مفاهیمی چون «بصیرت»، «تأمل»، «قناعت» و تصاویر «راه» و «سفر» همراه شده است و «نگرش مثبت» که با واژگانی چون «توشه»، «زاد» و «همت»، دنیا را فرصتی برای بندگی آگاهانه و توشه‌اندوزی برای آخرت تلقی می‌کند. در مجموع می‌توان به این نکته اذعان کرد که صائب با تلفیق عناصر بلاغی سبک هندی و جهان‌بینی دینی، موتیف دنیا را در غزلیات خود هم‌راستا با آموزه‌های قرآنی و روایی بازنمایی کرده است.
کلیدواژه‌ها	صائب تبریزی، سبک هندی، موتیف دنیا، آموزه‌های قرآن و حدیث.

۱. مقدمه

واژه «دنیا» در فرهنگ اسلامی، مفهومی پیچیده است که علاوه بر اینکه گویای مفاهیمی چون روزگار و عرصه گیتی است، بیشتر معنایی تقابلی با آخرت دارد،^۱ از مراتب فروتر آفرینش است و در قیاس با زندگی پس از مرگ فهمیده می شود. «دنیا در فرهنگ اسلامی، هم زیستگاه طبیعی انسان و عالم مادی است، هم زندگی زودگذر و فریبنده و هم میدان عمل کردن برای گرفتن جزا در آخرت» (مبلغ، ۱۳۹۲: ۲۲۸/۱۸). در تفاسیر و مطالعات قرآنی واژه «دنیا» به عنوان مؤنث «أدنی» تلقی می شود. از منظر ریشه شناسی، اگر این واژه از ریشه «دَن-أ» و «دناءت» دانسته شود، معنای «پست تر» و «ناچیزتر» را افاده می کند و اگر از ریشه «دَنو» محسوب گردد، به معنای «نزدیک تر» خواهد بود. وجه تسمیه واژه دنیا یا به دلیل نسبت آن با آخرت است که «پست تر و ناچیزتر» تلقی می شود، یا از آن رو که نسبت به زندگی اخروی «نزدیک تر» است، آن را دنیا می نامند (قرشی بنابی، ۱۴۱۲: ۳۶۲/۲-۳۶۳). در قرآن و حدیث، که دو منبع مهم اعتقادی مسلمانان باشند، سه نوع نگرش مثبت، منفی و بینابین نسبت به دنیا^۲ وجود دارد که به طور خلاصه چنین است:

۱. برای مثال در آیه ۶۴ سوره عنکبوت آمده است: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می دانستند». در این آیه زندگی دنیوی لهو و لعب و آخرت به عنوان حیات حقیقی معرفی شده است.

۲. در این پژوهش مقصود آن نیست که آیات قرآن کریم در باب دنیا با یکدیگر در تعارض اند، بلکه هدف نشان دادن تنوع کارکردها و دلالت ها در آموزه های دینی نسبت به دنیاست. همچنین اندیشه وران مسلمان بیشتر بر دو بُعد اصلی آموزه های دینی درباره دنیا تمرکز داشته اند؛ یعنی نگرش مثبت و نگرش منفی. در این دو رویکرد، دنیا یا عرصه ای برای عمل صالح و مقدمه آخرت یا به عنوان مایه فریب و غفلت معرفی شده است. باین حال، بر اساس نظر نویسنده و با تکیه بر شواهدی از آیات و روایات، می توان نوعی نگرش سوم نیز شناسایی کرد که به موجب این نوع نگرش، دنیا نه مطلقاً مذموم است و نه مطلقاً مطلوب، بلکه محل گذر، تجربه و عبرت است. این دسته بندی سوم، برداشتی تحلیلی است که پژوهشگر آن را مبتنی بر شواهدی از آیات و روایات برای تکمیل تصویر دوگانه مثبت یا منفی دنیا ارائه

۱. نگرش مثبت به دنیا. در این نگرش، دنیا فرصتی برای کسب اعمال نیک و آمادگی برای آخرت در نظر گرفته می‌شود. درواقع چنین دنیایی، دنیای باورمندان به آخرت است؛ کسانی که از دنیا و نعمت‌های دنیوی برای رسیدن به جایگاهی بهتر در آخرت بهره‌مند می‌شوند؛ برای مثال در آیه ۷۷ سوره قصص آمده است: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...﴾.^۱ بر همین مبنا، غزالی با این استدلال که همه موجودات دنیا (اعم از جماد و نبات و حیوان) برای استفاده انسان آفریده شده‌اند، پرداختن به دنیا را امری ضروری می‌داند؛ البته مشروط بر آنکه انسان در بهره‌گیری از دنیا دچار افراط نشود و آن را وسیله‌ای برای کسب توشه آخرت قرار دهد (غزالی، ۱۴۰۶: ۲۳۳/۳-۲۳۴).

۲. نگرش منفی به دنیا؛ مطابق این نگرش، دنیا سرای فریب است و دلبستگی به آن، انسان را از حقیقت خلقت دور می‌کند. چنین دنیایی، دنیای منکران آخرت است؛ کسانی که طبق آیات قرآن و روایات ائمه (علیهم‌السلام) هدف نهایی خلقت را همین دنیای فانی می‌دانند و به زینت آن که مال و فرزندان باشند، دل خوش کرده‌اند؛ مثلاً در آیه ۲۰ سوره حدید آمده است: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ بِنَاتِهِ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُمْ مُّضْطَرَّاءَ ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾.^۲ بر اساس همین نگرش برخی از اندیشه‌وران مسلمان در آثار خود به مذمت دنیا پرداخته و مخاطب را به روی‌گردانی از آن فراخوانده‌اند (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۷: ۱۷۵-۱۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۳۵۳/۵-۳۷۲).

۳. نگرش بینابین به دنیا. در این نگرش دنیا نه کاملاً مذموم است و نه کاملاً مطلوب،

→ کرده است.

۱. «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن...».

۲. «بدانید که زندگی دنیا در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آن‌ها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آن‌گاه خاشاک شود و در آخرت [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

بلکه هم فرصت است، هم خطر و در واقع وسیله‌ای برای آزمون و تعالی محسوب می‌شود. امام علی علیه السلام در حدیثی به مردم یادآور شده است که آنان در دنیا در معرض آزمایش‌اند و برای غیر آن (آخرت) آفریده شده‌اند: «... وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ. فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَ لَعَلَّهَا خُلِقَتْكُمْ...»؛ برون کنید از دنیا دل‌هاتان را از آن پیش که برون رود از آن تن‌هاتان. شما را در دنیا آزموده‌اند و برای جز دنیا آفریده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۲۰-۳۲۱؛ همان، ۱۳۷۸: ۲۳۸). این سخن حضرت علی علیه السلام ناظر به انسان‌های هوشیاری است که با شناخت ماهیت دنیا، آن را عرصه امتحان می‌دانند؛ چنین انسان‌هایی در پرتو این معرفت، دلبسته دنیا نمی‌شوند و از خداوند خیر دنیا و آخرت را طلب می‌کنند: «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً...» (بقره/۲۰۱)^۱ و خداوند نیز به نیکوکاران ثواب دنیا و آخرت را عطا می‌کند: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ حُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يُجِبُ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۴۸)^۲.

با توجه به این نکته که در طول تاریخ اسلام، قرآن و حدیث همواره یکی از آبخورهای فکری سخنوران مسلمان بوده است، انعکاس‌نگرش و آموزه‌های این دو منبع (قرآن و حدیث) نسبت به دنیا را می‌توان در آثار سخنوران مسلمان رهگیری کرد. نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی موتیف «دنیا» در اشعار صائب تبریزی در چهارچوب آموزه‌های دینی بپردازد.

میرزا محمدعلی متخلص به صائب، شاعر برجسته قرن یازدهم هجری و یکی از غزل‌سرایان بزرگ سبک هندی است. او در دوره شاه عباس دوم، ملک الشعرا دربار صفوی شد (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱۲۰۷/۲). چنین به نظر می‌رسد که آنچه موجب این انتخاب شده، علاوه بر قدرت طبع و تسلط این شاعر در مضمون‌سازی و تصویرآفرینی‌های بکر و بدیع، پایبندی وی به موازین دینی و اخلاقی بوده است؛ چراکه

۱. «... پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن...».

۲. «پس خداوند، پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست

پادشاهان صفوی توجه ویژه‌ای به شعائر دینی و مذهب تشیع داشتند. صائب نیز مسلمانی معتقد بود که می‌گفت: «راه نجات جز ره باریک شرع نیست» (صائب، ۱۳۷۳: ۴/۲۰۸۱). همچنین او در بیت زیر به مذهب تشیع خود اشاره کرده است:

ز پیروان شریعت درین سرای سپنج دوشش زد آن که به اثناعشر تولا کرد
(همان، ۱۸۱۶/۴)

از سروده‌های صائب چنین برمی‌آید که باورها و آموزه‌های دینی تأثیری عمیق بر اشعار او داشته است. عنصر تکرار شونددگی در برخی از این باورها و آموزه‌ها آن‌ها را در جایگاه موتیف شعر صائب قرار داده است. موتیف که برای آن، معادل‌هایی نظیر «بن‌مایه» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۴۷) و «نقش‌مایه» (فلکی، ۱۳۸۲: ۱۳۶) در نظر گرفته‌اند، عبارت است از تصویر، کلمه، عبارت، شخصیت، حالت، یا فکری که به شکل‌های گوناگون در اثر ادبی تکرار می‌شود (داد، ۱۳۷۱: ۵۰؛ میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۲؛ زیتونی، ۲۰۰۲: ۶۹). البته این تکرار باید «حساسیت‌آفرین» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۳۶) و «معنی‌آفرین» (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۲۶) باشد. همچنین موتیف، مرکز تصویر و شبکه‌ی تداعی شعر است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۷۰ و ۳۲۱). براساس این تعریف‌ها و با توجه به داده‌های پژوهش، که با استقرای تام و مطالعه‌ی تمام غزلیات دیوان صائب حاصل شده، می‌توان به این نکته اذعان کرد که واژه «دنیا» یکی از کلمات پرتکرار (۶۴۱ مورد)، حساسیت‌آفرین و معنی‌آفرین در غزلیات صائب است و اغلب نیز کاربرد آن به تداعی آموزه‌های دینی می‌انجامد. این موتیف در غزلیات او گاه فقط در سطح لفظی و واژگانی باقی مانده و گاه در مرکز تصویرپردازی‌های شاعر قرار گرفته است. صائب به شیوه‌ی مرسوم سرایندگان سبک هندی که همواره به دنبال نوآوری در مضمون‌پردازی بودند، کوشیده است با بهره‌گیری از شگردهای ادبی‌ای نظیر تمثیل، تشبیه و اسلوب معادله^۱، آموزه‌های دینی درباره‌ی دنیا را به شکلی هنری بیان کند. با توجه به این

۱. «اسلوب معادله» یکی از شگردهای ادبی رایج در سبک هندی است و در میان شاعران سبک هندی نیز بیشترین بسامد این شگرد ادبی در شعر صائب دیده می‌شود (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۸۴-۸۵؛ حسن پور آلاشتی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۳).

نکته که تکرار یک عنصر (اعم از کلمه، فکر، تصویر و...) در اثر ادبی - که از آن با عنوان موتیف یاد می‌شود - بیانگر ذهنیت و حساسیت هنرمند نسبت به آن موضوع یا پدیده است (حسن پورآلشتی، ۱۳۸۴: ۸۵)، می‌توان با بررسی موتیف‌هایی که در آثار ادبی وجود دارد، به ذهنیت خالقان این آثار نزدیک شد. نگارنده در پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی موتیف دنیا در شعر صائب به این پرسش پاسخ دهد که موتیف «دنیا» در غزلیات صائب بر اساس کدام آموزه‌های دینی و در قالب چه تصاویری نمود یافته است؟ در اینجا ذکر این نکته ضروری است که با وجود مترادفات گوناگون واژه دنیا نظیر جهان، هستی، عالم و گیتی، نظر به اینکه واژه مورد بحث (دنیا) در قرآن و حدیث بیشترین کاربرد را در مقایسه با واژگان مترادفش دارد، این پژوهش بر واژه یادشده با بار معنایی دینی متمرکز شده است.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه صائب در ادبیات فارسی تاکنون پژوهش‌های بسیاری درخصوص این شاعر به انجام رسیده و جنبه‌های مختلف شعر او بررسی شده است؛ برای نمونه فریدون طهماسبی در مقاله «تحلیل و بررسی بن‌مایه حباب و کارکردهای تعلیمی آن در شعر صائب تبریزی» (۱۳۹۹) به این موضوع پرداخته که صائب از بن‌مایه حباب برای بیان مضامین تعلیمی بهره برده است. همچنین در مقاله «واکاوی مفهوم احسان در دیوان صائب تبریزی» (۱۳۹۹) نوشته کامران پاشایی فخری و ندا یانس «احسان» به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در شعر صائب مورد توجه قرار گرفته است. سید محمدرضی مصطفوی‌نیا و معصومه سپهرنوش در مقاله «تأثیر و تأثر در موضوع دنیا بین صائب و منتبّی» (۱۳۹۰) به بررسی تطبیقی مضامین مربوط به دنیا در سروده‌های این دو شاعر پرداخته‌اند. عطا محمد رادمنش و الهام معینیان در مقاله‌ای به موضوع «دنیا و تصاویر تعلیمی آن از نگاه عطار» (۱۳۹۲) پرداخته‌اند. در مقاله «تحلیل تصویر کانونی دنیا در آثار ناصر خسرو» (۱۳۹۹) نوشته مریم کسایی و همکاران، کلان تصویر دنیا در دو ساحت عاطفی و حکمی در آثار ناصر خسرو بررسی و تحلیل شده است. محمدحسین صادقی درویشی و

همکاران نیز «تأثیر آموزه‌های دینی در تصویرپردازی دنیا در مثنوی معنوی» (۱۴۰۰) را بررسی کرده‌اند. با بررسی پیشینه‌ها می‌توان گفت که تاکنون پژوهش مستقلی که به تحلیل موتیف «دنیا» در غزلیات صائب با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایی پردازد، انجام نشده است. در پژوهش حاضر با تمرکز بر واژه «دنیا» و تحلیل کاربردهای آن در غزلیات صائب، نویسنده کوشیده است نگرش دینی صائب به دنیا را به صورت نظام‌مند دسته‌بندی کرده، تصاویر و واژگان تداعی‌کننده هر نگرش را استخراج و تحلیل کند و این داده‌ها را با آموزه‌های قرآن و حدیث درباره دنیا تطبیق دهد تا پیوند مفهومی شعر صائب با تعالیم اسلامی به روشنی تبیین شود.

۳. بحث

یکی از ویژگی‌های شاعران سبک هندی توجه و علاقه ایشان به استفاده از موتیف‌های گوناگون (موتیف‌های رایج در دوره‌های قبل و موتیف‌های جدید) برای رسیدن به بیان تازه و تصاویر بدیع است که از آن با عنوان «معنی بیگانه» یاد می‌کردند (خاکپور، ۱۳۹۲: ۳۷). ازجمله شگردهای ایجاد معنی بیگانه و مضمون نو در شعر سبک هندی، به‌ویژه در سروده‌های صائب، خلق تصویرهای گوناگون از یک موتیف (بن‌مایه) با استفاده از شگرد تغییر در زاویه دید است (محمدی، ۱۳۷۴: ۱۲۹). چنان‌که از داده‌های پژوهش حاضر برمی‌آید، صائب در کاربرد موتیف دنیا از این شگرد استفاده کرده و تحت تأثیر آموزه‌های دینی نگرشی سه‌گانه به دنیا داشته است که در ادامه به ترتیب بسامد بدان پرداخته خواهد شد.

پیش از پرداختن به بحث اصلی لازم است به این نکته اشاره شود که در ۶۱۶ بیت از مجموع غزلیات صائب ۶۴۱ بار از واژه دنیا استفاده شده است؛ از این میان در ۶۶ مورد کاربرد واژه دنیا در چهارچوب آموزه‌های دینی قرار نمی‌گیرد و تنها پهنه گیتی مورد نظر است.^۱ در ادامه این پژوهش ۵۷۵ مورد دیگری که صائب با بهره‌گیری از موتیف دنیا به

۱. بعضی از ابیات غزلیات صائب که واژه دنیا در آن‌ها به معنای گیتی است، عبارت‌اند از: برق را در خرمن مردم تماشا کرده است/ آن‌که پندارد که حال مردم دنیا خوش است (صائب، ۱۳۷۵: ۵۱۳/۲)؛ نیست از

تداعی آموزه‌های دینی و خلق تصویرهای گوناگون پرداخته، بررسی می‌شود.

۳-۱. نگرش منفی به دنیا در غزلیات صائب

موتیف دنیا در غزلیات صائب در ۴۳۲ مورد، تداعی‌کننده نگرش منفی آموزه‌های دینی نسبت به دنیاست. بعد از حمله مغول، روحیه ایرانیان شکست خورد و آنان برای التیام دردهای روحی خود نیازمند سخنان آرام‌بخش شدند. همین امر موجب شد که به امور اخروی توجه کنند و دنیا را هیچ‌انگارند (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۹۴). این نگرش در آثار شاعران و نویسندگان سبک عراقی انعکاس یافت^۱ و به صورت سنتی ادبی تثبیت شد. بر این اساس می‌توان نگرش منفی صائب نسبت به دنیا را در سنت ادبی رایج در آثار پیشینیان به خصوص سخنوران سبک عراقی ریشه‌یابی کرد. در چنین ابیاتی صائب گاه به وصف دنیا پرداخته، آن را «دنیای دنی» (۱۳۷۵: ۱/۱۹۵؛ ۲/۱۰۶۳؛ ۱۳۷۳: ۴/۱۶۶۱؛ ۵/۱۳۷۴؛ ۵/۲۴۰۳)، «دنیای باطل» (۱۳۷۵: ۱/۵۰؛ ۲/۶۶۷؛ ۳/۱۵۶۵؛ ۴/۱۳۷۴؛ ۵/۲۶۵۷)،^۲ «دنیای

خواب پریشان چشم بسمل را خبر/ محو عشق، از دیدن اوضاع دنیا فارغ است (همان، ۵۱۵/۲)؛ راستی زنهار چشم از مردم دنیا مدار/ از عصا در خانه خود دست نابینا کشید (همان، ۱۳۴۳/۳). برای دیدن موارد بیشتر بنگرید به: همان، ۸۷/۱ و ۲۴۴؛ ۵۷۱/۲ و ۹۲۶ و ۱۱۲۷؛ ۳/۱۱۴۳، ۱۱۴۹، ۱۲۰۳، ۱۳۶۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۵۲۹؛ ۱۳۷۳: ۴/۱۶۶۷، ۱۷۰۲، ۱۷۵۳، ۱۹۵۸ و ۲۰۶۴؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۲۰۱، ۲۲۲۳، ۲۶۲۲ و ۲۶۵۶ و ۲۶۹۷؛ ۳۰۱۰/۶، ۳۰۴۰، ۳۰۸۹ و ۳۳۹۴.

۱. حافظ و مولوی از شاخص‌ترین شاعران سبک عراقی‌اند که اندیشه دنیاگریز در سروده‌هایشان نمودی قابل توجه دارد؛ برای مثال حافظ در غزلی با مطلع «حجاب چهره جان می شود غبار تنم»، با بیانی استعاره‌ای دنیا را قفس دانسته، درباره آن می‌گوید: چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است/ روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم (حافظ، ۱۳۸۷: ۳۳۳). شاید بتوان علت این دل‌زدگی حافظ از دنیا را در این بیت جست: جهان پیراست و بی‌بنیاد/ ازین فرهادگش فریاد/ که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم (همان، ۳۴۴). نی‌نامه مولوی در مثنوی معنوی (۱: ۱۳۷۱) نیز جلوه بارزی از اندیشه دنیاگریز و آخرت‌گرایی این شاعر است. او خود را نی‌ای می‌داند که چون از عالم ملکوت به عالم ناسوت هبوط کرده، بسیار غمگین است و اشتیاق دارد که به اصل خود رجوع کند (زمانی، ۱۳۹۸: ۵۳-۵۴).

۲. نیست ممکن به تو دنیای دنی رو آورد/ تا چو آزاده روان پشت به دنیا نکنی (صائب، ۱۳۷۴: ۶/۳۳۳۴).

۳. ساقی از رطل گران‌سنگی سبک دل کن مرا/ حلقه بیرون این دنیای باطل کن مرا (همان، ۱۳۷۵: ۱/۵۰ و ۸۹).

بی حاصل» (۱۳۷۵: ۱/ ۱۶۴؛ ۱۳۷۴: ۵/ ۲۷۱۰؛ ۶/ ۳۳۰۷)،^۱ «دنیای دون» (۱۳۷۵: ۱/ ۴۳۵؛ ۱۳۷۴: ۶/ ۳۲۷۸)،^۲ «دنیای فانی»، «دنیای پوچ» (۱۳۷۵: ۲/ ۵۱۶؛ ۳/ ۱۳۴۸)،^۳ و «دنیای رهن»^۴ نامیده است. صفاتی که صائب در شبکه تداعی موتیف دنیا برگزیده، یادآور آیاتی است که زندگی دنیوی را «پست و خوار و غیرقابل اعتنا» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۵۰۲) دانسته‌اند؛ برای مثال در آیه ۳۲ سوره انعام زندگی دنیوی این گونه وصف شده است: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ...﴾؛^۵ در آیه ۳۶ سوره محمد و آیه ۲۰ سوره حدید نیز به «لعب و لهو» بودن دنیا اشاره شده است. همچنین در آیه ۱۸۵ سوره آل عمران و آیه ۲۰ سوره حدید آمده است: ﴿... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾.^۶

در آیات یادشده، خداوند زندگی دنیا را «لهو» خوانده و «لهو» عبارت است از کارهای بیهوده‌ای که انسان را از کار واجب باز می‌دارد و نیز آن را «لعب» خوانده و «لعب» عبارت است از عملی که به خاطر هدفی خیالی و خالی از حقیقت انجام می‌شود و آن را «متاع غرور» خوانده و «متاع غرور» به معنای چیزی است که آدمی را فریب می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲/ ۵۰۳). همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دنیا را مبعوض ترین آفریده خدا معرفی کرده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا هُوَ أَبْغَضُ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا نَظَرَ إِلَيْهَا مُنْذُ خَلَقَهَا بُغْضًا لَهَا»؛ خداوند مخلوقی که در نظر او مبعوض تر از دنیا باشد، نیافریده و از بس آن را دشمن دارد از هنگام آفرینش بر آن ننگریسته است (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۳۰۱).

صائب علاوه بر کاربرد صفات منفی برای دنیا، گاه نیز با بهره‌گیری از شگردهای

۱. بی گزند دیده‌بد، درد و داغ عشق بود / حاصلی گر بود ازین دنیای بی حاصل مرا (همان، ۸۳/۱).
۲. مدار از دولت دنیای دون چشم وفاداری/ که خورشید سبک جولان به یک روزن نمی سازد (همان، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۴۶۸).
۳. دریافتم حقیقت دنیای پوچ را / دل زین سراب آب نما کرد فارغم (همان، ۱۳۷۴: ۵/ ۲۸۱۷).
۴. هر که گردانید از دنیای رهن روی خویش / بی تردد پشت بر دیوار منزل داده است (همان، ۱۳۷۵: ۲/ ۵۶۴).
۵. «و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست...».
۶. «... و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

ادبی‌ای نظیر اسلوب معادله، تشبیه و استعاره، هر بار از زاویه‌ای جدید به دنیا نگرسته، با خلق مضامین^۱ و تصاویر متعدد از این موتیف، نگرش منفی نسبت به دنیا را برجسته‌تر کرده است. در ادامه بعضی از این مضامین و تصاویر بررسی می‌شود.

۱-۳. ناپایداری دنیا: آموزه‌های دینی بر زودگذر بودن و ناپایداری دنیا تأکید دارند؛ برای مثال در آیه ۴۵ سوره کهف فناپذیر بودن زندگی دنیوی با این تمثیل بیان شده است: ﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾.^۲ همچنین آیات ۳۹ سوره غافر، ۲۷ سوره انسان و ۲۴ سوره یونس بر همین حقیقت (ناپایداری دنیا) تأکید دارند.

حضرت علی (ع) درباره ناپایداری دنیا فرموده‌اند: «الدُّنْيَا ظُلُّ الْغَمَامِ وَحُلُمُ الْمَنَامِ»؛ دنیا سایه ابر است و خوابی است که آدمی در خواب ببیند (خوانساری، ۱۳۶۶: ۹۱/۲). مطابق آموزه‌های اسلامی یکی از ویژگی‌های افراد عاقل، توجه به فناپذیری دنیا است.

امام صادق (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَنْسَاهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: فَنَاءُ الدُّنْيَا وَتَصَرُّفُ الْأَحْوَالِ وَالْآفَاتُ الَّتِي لَا أَمَانَ لَهَا»؛ فراموش کردن سه چیز در هیچ حالی شایسته فرد عاقل نیست: ۱. فنا و ناپایداری دنیا، ۲. تغییر حالات، ۳. و آسیب‌های بی‌امان (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۴؛ همو، ۱۳۸۰: ۳۰۶).

در غزلیات صائب هم یکی از مضامین محوری که با نگرشی دینی و اخلاقی مطرح شده، ناپایداری دنیا است. او با بهره‌گیری از تصاویر طبیعت و واژگانی که بار معنایی آن‌ها بر فنا و زوال دلالت دارد، کوشیده است ناپایداری دنیا را در اشعار خود ترسیم کند. صائب

۱. فرق موتیف (درون مایه، بن مایه) و مضمون آن است که موتیف واژه، تصویر یا عبارت مستقلی است که در اثر ادبی تکرار می‌شود، ولی مضمون مفهومی عام‌تر و انتزاعی‌تر است که در بن مایه نمود می‌یابد؛ مثلاً «سکه» می‌تواند موتیف یک اثر ادبی و «طمع» مضمون آن باشد (پورترابوت، ۱۳۹۷: ۳۹۷).

۲. «و برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم، سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادها پراکنده‌اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست».

با استفاده از واژگان و ترکیباتی نظیر «سایه» (۱۳۷۵: ۲/ ۸۳۰؛ ۱۳۷۳: ۴/ ۱۶۲۵ و ۲۱۳۹؛ ۱۳۷۴: ۵/ ۲۵۹۷ و ۲۸۵۸؛ ۳۴۲۱/ ۶)، «خواب» (۱۳۷۵: ۱/ ۲۰۵؛ ۵۳۴/ ۲ و ۱۱۳۳؛ ۱۳۷۴: ۵/ ۲۱۹۵ و ۲۳۵۸)، «موج» (۱۳۷۴: ۶/ ۳۱۵۱ و ۳۲۰۰)، «ریگ روان» (۱۳۷۵: ۲/ ۶۸۵ و ۹۶۶)، «برق» (۱۳۷۳: ۴/ ۱۶۸۴، ۱۷۸۸ و ۲۰۴۰) و «سیل» (۱۳۷۵: ۱/ ۲۸۶؛ ۳/ ۱۴۵۷)، دنیا را بی ثبات، گذرا و غیرقابل اتکا ترسیم می کند. برخی از این تصاویر در عین شاعرانه بودن، در تعالیم دینی نیز ریشه دارند؛ برای مثال در بیت زیر دنیا به عنوان حقیقتی ناپایدار ترسیم شده که ارزش وابستگی ندارد:

چشم پوشیدن ز دنیا قابل افسوس نیست در نظر خواب پریشان گر نباشد گو مباش
(۱۳۷۴: ۵/ ۲۳۵۸)

آنچه در بیت مورد بحث قابل تأمل است، ایجاد روابط تناظری میان «دنیا» و «خواب پریشان» است: چشم پوشیدن از دنیا حکم چشم پوشیدن از خواب پریشان را دارد. نکته دیگری که در این روابط تناظری باید به آن توجه کرد، آن است که دنیا هم مثل خوابی پریشان، گذرا، ناآرام و آشفته است. او در بیتی دیگر با بیان تمثیلی این نکته را یادآور می شود که دنیا ناآرام و خطرناک است و کسی که توقع راحت و آرام از دنیا دارد، مانند فردی بی خرد است که خود را در معرض نابودی قرار می دهد:

سبک مغزی که از دنیا تن آسانی طمع دارد به راه سیل بستر بهر خواب راحت اندازد
(۱۳۷۵: ۳/ ۱۴۵۷)

۲-۱-۳. فریبکاری و جلوه دروغین دنیا. مطابق آموزه های دینی هرچند دنیا ظاهری جذاب و فریبنده دارد، درحقیقت فریبکار و گمراه کننده است. در آیه ۵ سوره فاطر به انسان ها چنین هشدار داده شده است: «... فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ»^۱. همین هشدار با همان تعبیر لفظی در آیه ۳۳ سوره لقمان نیز تکرار شده است. حضرت علی علیه السلام نیز دنیا را این گونه معرفی کرده اند: «الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ سَرَابٌ زَائِلٌ وَ

۱. «... زندها تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد و زندها تا [شیطان] فریبنده شما را درباره خدا نفریبید».

سِنَادُ مَائِلٌ؛ دنیا فریب‌دهنده‌ای است گردنده و سرابی است زایل‌شونده و تکیه‌گاهی است میل‌کرده» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۶؛ خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۲۱/۲). ایشان در حدیثی دیگر دنیا را «شَرُّكَ النَّفُوسِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ یعنی دام نفس‌ها دانسته و در حکمت ۷۷ خطاب به دنیا فرموده‌اند: «يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا، إِلَيْكَ عَنِّي، أَبِي تَعَرَّضْتُ أَمَّ إِلَيَّ [تَشَوُّفٌ] تَشَوُّفٌ؟ لَا حَانَ حَيْنُكَ! هَيْهَاتَ! غُرِّي غَيْرِي، لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، قَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا. فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَ خَطَرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمْلُكَ حَقِيرٌ. أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوَدِّ؛ ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو! - با خودنمایی - فراراه من آمده‌ای؟ یا شیفته‌ام شده‌ای؟ مباد که تو در دل من جای گیری. هرگز! جز مرا بفریب! مرا به تو چه نیازی است؟ من تو را سه بار طلاق گفته‌ام و بازگشتی در آن نیست. زندگانی‌ات کوتاه است و جاهت ناچیز و آرزوی تو داشتن خُرد. - نیز - آه از توشه اندک و درازی راه و دوری منزل و سختی در آمدنگاه (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۸۰-۴۸۱؛ همان، ۱۳۷۸: ۳۷۲).

در غزلیات صائب نیز بارها به فریبکاری دنیا اشاره شده است. در چنین ابیاتی موتیف دنیا همراه با واژگانی چون «دام» (۱۳۷۵: ۵۱/۱؛ ۹۸۴/۲؛ ۱۲۷۵/۳؛ ۱۳۷۳: ۴/۲۰۳۴؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۳۹۸؛ ۲۷۲۵/۵)، «فریب» (۱۳۷۵: ۱/۳۰۵ و ۳۸۱/۲؛ ۹۹۳/۲؛ ۱۳۷۳: ۴/۱۷۹۲ و ۱۹۰۶؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۳۹۸؛ ۳۰۷۱/۶)، «عشوه»^۱ (۱۳۷۵: ۱/۳۰۵؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۷۵۸ و ۲۸۴۳)، «سراب» (۱۳۷۵: ۱/۴۲۲؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۸۴۳) و «مار» (۱۳۷۵: ۲/۵۳۵ و ۱۰۸۸؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۶۲۷) به کار رفته که از برخی از این واژگان در آموزه‌های دینی هم برای ترسیم فریبندگی دنیا استفاده شده است.

صائب دنیا را «دشت پرفریب» (۱۳۷۵: ۱/۳۸۱) می‌داند. همچنین در غزل‌های او واژه «سراب» (۱۳۷۵: ۱/۴۲۲؛ ۸۳۷/۲؛ ۱۳۷۴: ۵/۲۷۵۸ و ۲۸۴۳) در شبکه تداعی و تصویرسازی موتیف دنیا به عنوان نمادی از جلوه‌های دروغین آن است. او از این واژه و ترکیب‌های «موج سراب»^۲ (۱۳۷۵: ۱/۵۱، ۱۶۹؛ ۱۰۳۱/۲، ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸؛ ۱۲۶۹/۳؛ ۱۳۷۳: ۴/۱۳۷۳)

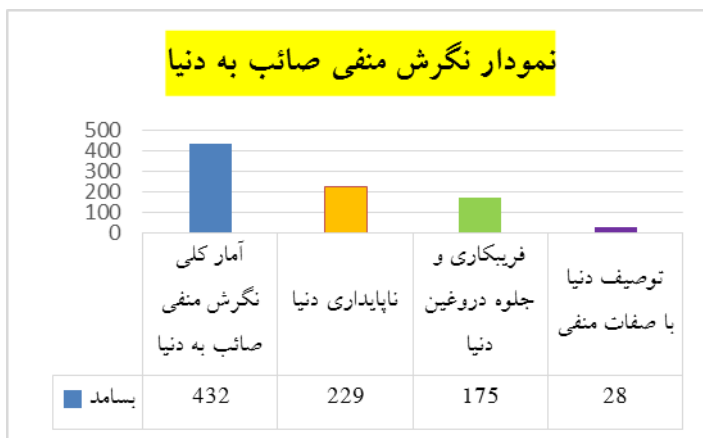
۱. «عشوه»: یکی از معانی این واژه «وعده دروغ» و «فریب» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «عشوه»).

۲. «موج سراب»، موجی دروغین است که از دور در بیابان گرم چون موج آب به چشم آید (همان، ذیل «موج»).

۱۷۲۹ و ۱۹۰۶؛ ۱۳۷۴؛ ۵/۲۸۷۴ و ۶/۲۹۱۰ و ۳۳۹۳) و «موجه سراب» (۱۳۷۵؛ ۱/۳۸۱ و ۲/۴۸۷؛ ۱۳۷۳؛ ۴/۱۹۰۶ و ۱۹۴۰) و «موجه دریای سراب» (۱۳۷۴؛ ۵/۲۷۴۰) برای بیان مضمون فریبکاری دنیا و ترسیم این حقیقت استفاده می‌کند که هرچند دنیا از دور جذاب و پرزرق و برق به نظر می‌رسد، درواقع هیچ و بی حاصل و دل‌بستن به آن خطرناک است: دنیا طلب محال است در خاک و خون نغلطد موج سراب این دشت شمشیر آبدارست

(۱۳۷۵؛ ۲/۱۰۸۷)

در بیت فوق صائب به ترسیم ماهیت فریبنده و خطرناک دنیا پرداخته، با ترکیب دو تصویر متضاد؛ اما مکمل «موج سراب» (استعاره از جلوۀ فریبنده و دروغین دنیا) و «شمشیر آبدار» (تشبیه برای موج سراب) دنیا را هم فریبنده و هم هلاک‌کننده معرفی می‌کند.



۳-۲. نگرش بینابین به دنیا در غزلیات صائب. موتیف دنیا در غزلیات صائب در ۱۰۲ مورد تداعی‌کننده نگرش بینابین آموزه‌های دینی نسبت به دنیا است. در چنین نگرشی به جای اینکه دنیا مذموم مطلق یا مطلوب مطلق تلقی شود، مکانی برای آزمون، رشد و بهره‌برداری معقول محسوب می‌شود. در آیه ۲۸ سورۀ انفال نعمت‌های دنیوی به عنوان ابتلا و آزمون

معرفی شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ».^۱ بر این اساس دنیا مقصدی برای وابستگی شدید نیست، بلکه مکانی برای آزمون و کسب معرفت است. همچنین در آیه ۲۶ سوره رعد دنیا این چنین وصف شده است: «... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ».^۲ در این آیه خداوند زندگی دنیوی را «متاع» خوانده است «و متاع به معنای هر چیزی است که خود آن هدف نباشد، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۵۰۳/۲).

پیامبر اکرم ﷺ نیز مسلمانان را به تعادل در طلب دنیا رهنمون شده‌اند: «أَجْمَلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ مُتَمَسِّرٍ لِمَا كُتِبَ لَهُ مِنْهَا»؛ در طلب دنیا معتدل باشید؛ زیرا به هر کس هر چه قسمت اوست، می‌رسد (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۱۶۷).

چنان‌که از محتوای این گونه آیات و احادیث برمی‌آید، نگاه بینابین و متعادل آموزه‌های دینی به دنیا ترکیبی از احتیاط، عبرت‌آموزی، بهره‌گیری معقول و پذیرش واقعیت گذرای دنیاست. این نگرش که نه کاملاً دنیاگیز و زاهدانه است، نه دنیا طلب و مادی‌گرایانه، نوعی تعادل میان تعامل خردمندانه با دنیا و پرهیز از وابستگی شدید ارائه می‌دهد. این نگاه در قالب تصاویر و شبکه‌ای از واژگان تداعی‌کننده در شعر صائب نمود یافته است. بعضی از مضامین و تصاویری که نمود نگرش بینابین به موتیف دنیا در غزلیات صائب است، عبارت‌اند از:

۱-۲-۳. دنیا محلّ گذر و عبرت‌آموزی. در آیه ۴۴ سوره نور گردش شب و روز (که بر گذر روزگار و حیات دنیوی دلالت دارد) عبرتی برای صاحبان بصیرت دانسته شده است: «يَقْلَبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ».^۳

حضرت علی عليه السلام نیز دنیا را «دار موعظه» دانسته‌اند: «إِنَّ الدُّنْيَا... دَارٌ مَوْعِظَةٌ لِّمَنِ اتَّعَظَ بِهَا...»؛ دنیا... خانه پند است برای آن‌که از آن پند آموخت... (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۹۳).

۱. «و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است».

۲. «... زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست».

۳. «خداست که شب و روز را باهم جابه‌جا می‌کند. قطعاً در این [تبدیل] برای دیده‌وران [درس] عبرتی است».

همان، ۱۳۷۸: ۳۸۴). مطابق سخنان امام علی علیه السلام دنیا مرحله‌ای گذرا و زمینه‌ای برای آزمون و عبرت‌آموزی است: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارُ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا»؛ دنیا خانه‌ای است که از آن بگذرند، نه جایی که در آن به سر برند و مردم در آن دو گونه‌اند: یکی آن که خود را فروخت و خویش را به تباہی انداخت و دیگری که خود را خرید و آزاد ساخت (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۹۳؛ همان، ۱۳۷۸: ۳۸۵).

صائب تبریزی نیز تحت تأثیر این آموزه‌ها، دنیا را محل گذر می‌داند و در اشعار خود با استفاده از ساخت‌های مختلف فعل «گذشتن» (۱۳۷۵: ۸۷ / ۱ و ۲۰۳؛ ۵۰۴ / ۲، ۶۷۱، ۶۷۲، ۸۰۴، ۱۰۱۲، ۱۰۱۵ و ۱۰۲۱؛ ۱۳۱۹ / ۳ و ۱۵۳۲؛ ۱۳۷۳: ۱۶۷۲ / ۴، ۱۸۱۴ و ۲۰۸۱؛ ۱۳۷۴: ۵ / ۲۲۹۷، ۲۵۴۰ و ۲۸۲۸؛ ۳۱۸۲ / ۶ و ۳۳۷۹) و واژگانی نظیر «سفر» (۱۳۷۵: ۸۳۷ / ۲ و ۱۵۶۲؛ ۱۳۷۴: ۵ / ۲۷۱۶)، «راه» (۱۳۷۵: ۶۱ / ۱ و ۱۴۰۲؛ ۱۴۱۶ و ۱۴۵۷)، «رهرو» (۱۳۷۵: ۲۰۸ / ۱) «ره‌پیما» (همان، ۱۳۹۳ / ۳) و «ره‌نورد» (۱۳۷۳: ۱۶۷۲ / ۴)، دنیا را نه مأمن ابدی، بلکه گذرگاهی ضروری تصویر می‌کند.

نعل سفرم جای دگر بود در آتش در سایه دنیا مژده‌ای خفتم و رفتم
(۱۳۷۴: ۵ / ۲۸۵۸)

مصراع اول این بیت یادآور رسمی قدیم در بازگرداندن مسافر به وطن است؛ به این شکل که نعل اسبی را در آتش می‌گذاشتند و در حالی که به مسافر فکر می‌کردند، نعل در آتش سرخ می‌شد (جمالی هنجنی، ۱۳۹۹: «سفر»). صائب در بیت مورد بحث دنیا را به منزله منزلگاهی موقت و ناپایدار تصویر می‌کند. او خویشتن را مسافری می‌بیند که برای بازگرداندن او به وطن اصلی‌اش (سرای آخرت) نعلی بر آتش نهاده‌اند. این مسافر اندکی در سایه دنیا درنگ کرده، سپس راهی موطن اصلی خویش می‌شود. بدین سان، دنیا در نگاه شاعر منزلگاهی موقت و ناپایدار است که باید از آن گذشت. همچنین او دنیا را مکانی برای کسب عبرت می‌داند و به جای توصیه به چشم‌پوشی مطلق از آن، بر نوع نگاه انسان به دنیا تأکید و به این امر اشاره می‌کند که اگر انسان با هوشیاری و بصیرت به دنیا بنگرد،

تماشای آن نه تنها مذموم نیست، بلکه آموزنده و بیدارگر است:

از بصیرت نیست پوشیدن ز دنیا چشم خود چشم عبرت بین اگر باشد تماشا بهتر است

(همان، ۴۹۸/۵)

۲-۲-۳. نگاه محتاطانه به دنیا. هرچند در منابع اسلامی بارها به ماهیت فریبنده دنیا اشاره شده، هرگز به ترک مطلق آن توصیه نشده است. پیشوایان دینی مسلمانان برای اینکه آنان چندان به زندگی دنیوی مشغول نشوند که مسیر و هدف نهایی خلقت را فراموش کنند، راهکاری محتاطانه ارائه کرده‌اند: بهره‌گیری از دنیا به قدر کفایت و نه بیشتر؛ حضرت محمد ﷺ در این باره فرموده‌اند: «إِنَّمَا يَكْفِي أَحَدَكُمْ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا مِثْلَ زَادِ الزَّكَاكِ»؛ برای شما در دنیا چیزی که به اندازه توشه مسافری باشد، کافی است (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۳۴۷).

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ»؛ هر که از دنیا بداند چه او را کفایت کند خشنود باشد، کمترین چیزی که در آن است او را کفایت می‌کند و کسی که راضی نیست از دنیا بداند چه او را کفایت می‌کند، در دنیا چیزی نیست که او را کفایت کند (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۴۰/۲؛ همو، ۱۳۷۵: ۴/۴۱۹).

امام سجاد علیه السلام این حد کفاف از اسباب معاش را چنین ترسیم کرده‌اند: «اللَّهُمَّ! إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَعِيشَةِ، مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَاجَاتِي وَ أَتَوْصَلُ بِهَا إِلَيْكَ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي آخِرَتِي، مَنْ غَيْرِ أَنْ تُثَرِّفَنِي فِيهَا فَأَطْعَى...»؛ خدایا! از تو معیشتی نیک خواهانم: معیشتی که با آن همه نیازمندی‌هایم را برآورم و در زندگی این دنیا و در آخرتم با آن به قرب تو برسم، بی آنکه مرا غرق در نعمت سازی تا به طغیان افتم... (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳/۴۰۳ - ۴۰۴).

صائب نیز تحت تأثیر چنین آموزه‌هایی هرچند روی گردانی از دنیا را راهی برای پالایش باطن می‌بیند (۱۳۷۵: ۱/۱۰۵؛ ۲/۵۳۷، ۶۱۰ و ۶۹۶)، ترک مطلق زندگی دنیوی را توصیه نمی‌کند. او هر نوع افراط و تفریطی را در مواجهه با دنیا و نعمت‌های دنیوی رد می‌کند و مخاطب را به بهره‌گیری معقول از دنیا فرامی‌خواند. صائب در چنین ابیاتی از شبکه‌ای از

واژگان استفاده می‌کند که ترکیبی از تعامل و احتیاط را نشان می‌دهند؛ واژگانی نظیر «بصیرت» (۱۳۷۵: ۲/ ۴۹۸؛ ۱۳۷۴: ۵/ ۲۲۱۰؛ ۶/ ۲۹۴۶ و ۳۰۴۰)، «قناعت» (۱۳۷۳: ۴/ ۱۸۱۷؛ ۱۳۷۴: ۶/ ۳۲۵۳) و «تأمل» (۱۳۷۵: ۲/ ۵۱۳؛ ۱۳۷۴: ۶/ ۳۰۱۴):

از ولی نعمت عقبی نتوان رو گرداند از بصیرت نبود پشت به دنیا کردن (۱۳۷۴: ۶/ ۳۰۴۰)

واژه بصیرت در گفتمان صائب، میان دو قطب «تعامل با دنیا» و «احتیاط از آن» تعادل برقرار می‌کند. بصیرت به معنای انزوا و کناره‌گیری از دنیا یا غفلت و غرق شدن در آن نیست، بلکه با آگاهی، شناخت صحیح و تشخیص خیر از شر همراه است و رمز عبور موفق از دنیای فریبنده محسوب می‌شود. صائب این نگرش را در بیت زیر چنین بیان کرده است:

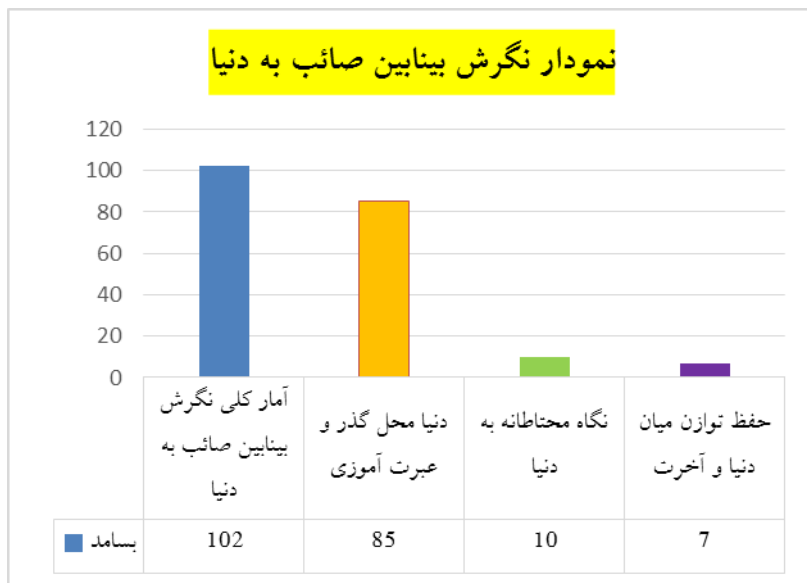
از بصیرت نیست پوشیدن ز دنیا چشم خود چشم عبرت بین اگر باشد تماشا بهتر است (۱۳۷۵: ۲/ ۴۹۸)

در اندیشه صائب آن که بصیرت دارد به دنیا می‌نگرد؛ اما فریفته آن نمی‌شود؛ از دنیا بهره می‌برد، ولی به آن وابسته نمی‌شود. این نگاه، پایه جهان بینی اخلاقی صائب است که تحت تأثیر آموزه‌های دینی در ذهن این شاعر مسلمان شکل گرفته است.

۳-۲-۳. تأکید بر توازن میان دنیا و آخرت. در منابع اسلامی به حفظ تعادل میان بهره‌گیری از مواهب دنیا و توجه به آخرت توصیه شده است. رسول خدا ﷺ در این باره فرموده‌اند: «خَيْرُكُمْ مَنْ لَمْ يَتْرُكْ آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ وَلَا دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَمْ يَكُنْ كَلًّا عَلَى النَّاسِ»؛ بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد و سربار مردم نباشد (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۴۷۳). نمود این آموزه دینی در شعر صائب نیز دیده می‌شود:

کار دنیا کن و اندیشه عقبی مگذار تا به عقبی نرسی دامن دنیا مگذار (۱۳۷۴: ۵/ ۲۲۵۲)

این بیت نشان‌دهنده درک واقع‌گرایانه از نیازهای دنیوی و معنوی است. صائب توصیه می‌کند که انسان باید در دنیا تلاش کند؛ اما هم‌زمان آینده معنوی خود را نیز در نظر داشته باشد.



۳-۳. نگرش مثبت به دنیا در غزلیات صائب. موتیف دنیا در غزلیات صائب در ۴۱ مورد تداعی‌کننده نگرش مثبت آموزه‌های دینی نسبت به دنیاست. در این نوع نگرش، دنیا علاوه بر اینکه محلّ آزمون و گذر است، فرصتی برای بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، کسب توشه آخرت و رشد معنوی نیز محسوب می‌شود. برخلاف نگرش‌هایی که دنیا را تنها فریبنده و مذبذوم می‌دانند، برخی آیات قرآن و احادیث اشاره دارند که دنیا نعمت و وسیله‌ای برای بهره‌گیری صحیح است؛ اما نباید هدف نهایی خلقت در نظر گرفته شود؛ برای مثال در آیه ۳۲ سوره اعراف آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۱. تأکید این آیه بر آن است که نعمت‌های دنیا برای انسان آفریده شده و کسی نمی‌تواند آنان را از این نعمت‌های حلال منع کند. همچنین آیه ۷۷ سوره قصص به ضرورت توجه به آخرت و بهره‌برداری صحیح از دنیا پرداخته است: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ

۱. «ای پیامبر! بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟».

الدَّارُ الْآخِرَةُ وَلَا تَنْتَسِ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا^۱.

رسول اکرم ﷺ نیز به این نکته اشاره کرده‌اند: «فَإِنَّ الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ وَ عَلَى قَدْرِ مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُهُ فِي الْآخِرَةِ»؛ دنیا محلّ کشت برای آخرت است و به همان اندازه که در دنیا بکاری، در آخرت درو خواهی کرد (دیلمی، ۱۴۱۲: ۸۹/۱؛ همو، ۱۳۷۷: ۱/۲۱۸). مطابق تعالیم دینی اگر انسان، با بصیرت از دنیا استفاده کند، می‌تواند به سعادت حقیقی دست یابد. در غزلیات صائب نیز گاه این نگاه مثبت نسبت به دنیا در قالب مضامین و تصاویر زیر دیده می‌شود:

۳-۳-۱. دنیا فرصتی برای کسب توشه آخرت. در آموزه‌های اسلامی، دنیا زمینه‌ای برای کسب توشه آخرت در نظر گرفته شده است؛ چنان‌که در آیه ۶ سوره هود آمده که رزق دنیوی انسان از جانب خداوند تأمین می‌شود: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...﴾^۲. پس وظیفه انسان در دنیا تلاش برای کسب روزی آخرت است و زندگی در دنیا فرصت محدودی است که برای کسب روزی آخرت در اختیار انسان‌ها گذاشته شده است.

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی خطاب به ابوذر فرموده‌اند: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا رَأَيْتَ أَخَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ، فَإِنَّهُ يَلْقَى الْحِكْمَةَ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ؟ فَقَالَ: مَنْ لَمْ يَنْسِ الْمَقَابِرَ وَالْبُلَى وَ تَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا وَ أَثَرَهَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى وَ لَمْ يَعْذَّ عَدَا مِنْ أَيَّامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى»؛ یا اباذر چون برادر مسلمان را دیدی که نسبت به دنیا بی‌رغبت و زاهد است، حرف او را گوش ده که به تو حکمت می‌آموزد. گفتم: یا رسول الله ﷺ، زاهدترین مردم کیست؟ فرمود: آن کس که قبر و پوسیدگی تن در خاک را فراموش نکند و زینت‌های دنیا و اضافه بر ضرورت را رها کند و جهان باقی ابدی را بر دنیای فانی برگزیند و فردا را از عمر خود به حساب نیاورد و هر آن چنان پندارد که خواهد مُرد و به سرمنزل مردگان خواهد رفت (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۶۳؛ همو، ۱۳۶۵: ۲/۴۶۲).

۱. «و با آنچه خدایت داده، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

۲. «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی اش بر عهده خداست...».

نکته قابل توجه در این سخن پیامبر اکرم ﷺ آن است که ایشان به ترک زینت‌های دنیا و آنچه اضافه بر ضرورت است، توصیه کرده‌اند نه ترک مطلق دنیا. صائب نیز با الهام از این آموزه‌ها دنیا را محلّ گذر دانسته است. او در مواجهه با این معبر آن را کامل ترک نمی‌کند و از آن به عنوان فرصتی برای کسب توشه آخرت بهره می‌برد. صائب برای بیان این مضمون از دو واژه مترادف «توشه» (۱۳۷۵: ۶۱/۱؛ ۱۳۷۴: ۲۷۲۱/۵ و ۲۷۲۵: ۶/۲۹۲۸ و ۳۳۰۶) و «زاد» (۱۳۷۵: ۳/۱۱۶۴ و ۱۲۶۸ و ۱۴۵۷: ۱۳۷۴/۶؛ ۲۹۴۳ و ۲۹۵۱) استفاده می‌کند که هر دو به معنای طعام اندکی است که مسافران با خود دارند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «توشه» و «زاد»). در سرانجام اقامت نیستم چون غافلان توشه راهی است صائب چشم از دنیا مرا (۱۳۷۵: ۶۱/۱)

با توجه به معنای واژگانی کلمات «توشه» و «زاد»، تصویری که از کاربرد این واژگان خلق می‌شود، تصویر مسافری است که در عبور از گذرگاه دنیا برای سفر آخرت خود تدارک می‌بیند.

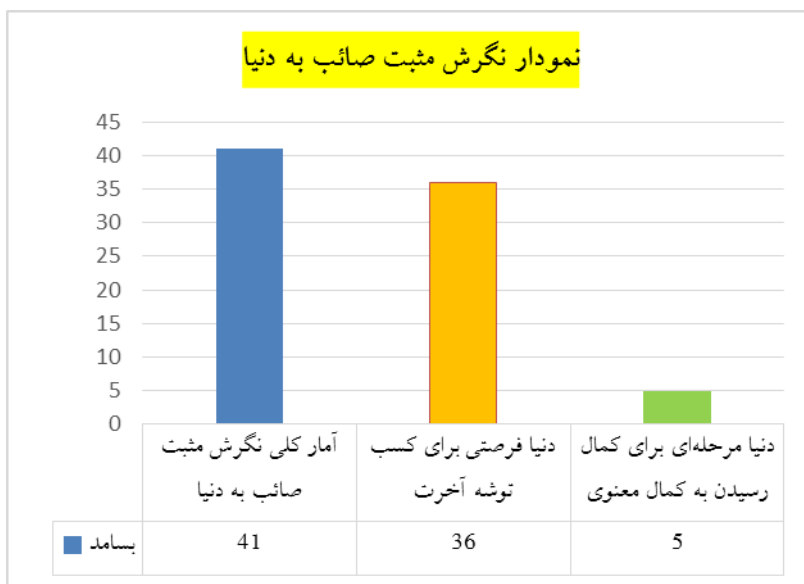
۲-۳-۳. دنیا به عنوان مرحله‌ای برای کمال معنوی. هدف نهایی خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است و این مسیر از طریق اعمال نیکی که در دنیا انجام می‌دهد، طی می‌شود. بر همین اساس گروهی از مردم از خدا خیر دنیا و آخرت را طلب می‌کنند و از پروردگارشان چنین می‌خواهند: «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱).^۱ رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ وَأَبَى أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا»؛ خداوند دنیا را به نیت آخرت می‌دهد، ولی آخرت را به نیت دنیا نمی‌دهد (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

حضرت علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَعَالِيهَا وَلَمْ تُخْلَقْ لِنَفْسِهَا»؛ دنیا را برای جز دنیا آفریده‌اند نه برای دنیا - و راه‌گذاری است به جهان فردا (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۵۷؛ همان، ۱۳۷۸: ۴۴۳).

۱. «... پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار».

به موجب این حدیث، دنیا مرحله‌ای است که برای تکامل و رشد معنوی باید آن را طی کرد. به نظر می‌رسد که صائب تحت تأثیر این نگرش، کسانی را که از ترک دنیا صحبت می‌کنند، «خام‌دست» (بی تجربه) نامیده؛ چراکه دنیا فرصتی برای تکامل، رشد معنوی و زاداندوزی اخروی است و این افراد با چشم‌پوشی مطلق از دنیا، درواقع خویشتن را از چنین فرصتی محروم می‌کنند.

خام‌دستانی که پشت پا به دنیا می‌زنند در حقیقت دستِ رد بر زاد عقبی می‌زنند (۱۳۷۵: ۳/ ۱۲۶۸)



۴. نتیجه‌گیری

جستار حاضر با تحلیل ساختارمند موتیف «دنیا» در غزلیات صائب و با تکیه بر آموزه‌های دینی نشان داد که این شاعر هم در سطح واژگان و تصاویر و هم از حیث معنا، متأثر از نگرش‌های قرآنی و روایی به مقوله دنیا بوده است. بر اساس داده‌های پژوهش، موتیف «دنیا» در شعر صائب تداعی‌کننده این نگرش‌هاست:

- نگرش منفی به دنیا بیشترین بسامد را در غزلیات صائب دارد و این نگرش با تصاویر

و مضامینی چون «سراب»، «خواب»، «سایه»، «دام» و «مار» تداعی شده است. این تصاویر و مضامین با آیات قرآن و احادیث همخوانی قابل توجهی دارند و نشانهٔ باور صائب به فریبندگی، ناپایداری و خطرات دلبستگی به دنیایند.

- نگرش بینابین به دنیا در شعر صائب، نمایانگر نوعی بصیرت و هوشیاری دینی است. او دنیا را محلّ گذر و عبرت‌آموزی می‌داند و بر تعامل محتاطانه و عاقلانه با دنیا تأکید می‌کند. صائب برای تداعی چنین نگرشی از واژگان و تصاویری چون «بصیرت»، «تأمل»، «قناعت»، «راه»، «سفر» و «ره‌پیما» بهره می‌گیرد. در این رویکرد، دنیا مذموم مطلق یا مطلوب مطلق نیست و وسیله‌ای برای تعالی روحی محسوب می‌شود. صائب بر توازن میان دنیا و آخرت تأکید دارد و بر این باور است که آدمی باید درعین پرداختن به کار و کوشش در دنیا، آخرت را فراموش نکند و همواره مسیر رشد معنوی را در نظر داشته باشد.

- نگرش مثبت به دنیا نیز با بسامدی کمتر، در آثار صائب مشهود است. در این نگرش، دنیا به عنوان فرصتی برای کسب توشهٔ آخرت و مرحله‌ای برای کمال معنوی در نظر گرفته می‌شود. واژگان «زاد» و «توشه» محوری‌ترین واژگانی‌اند که در غزلیات صائب به تداعی این نگرش پرداخته‌اند. از دیدگاه صائب، دنیا سرای دلبستگی نیست و مرحله‌ای موقت برای تأمین «توشه» و «زاد» آخرت است. در مجموع می‌توان گفت که صائب با بهره‌گیری خلاقانه از تمهیدات ادبی رایج در سبک هندی درعین پایبندی به اصول دینی، بازنمایی‌ای گسترده از دنیا ارائه کرده است؛ بازنمایی‌ای که در سطح واژگان، عناصر تصویری و ساختارهای بیانی، با آموزه‌های اسلامی همخوانی دارد و جلوه‌ای هنری از جهان‌بینی دینی دربارهٔ دنیا را در غزلیات صائب منعکس می‌کند.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمهٔ محمد مهدی فولادوند، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۴۱۸ ق.
۲. نهج البلاغه، سید رضی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳. نهج البلاغه، ترجمهٔ سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.

۴. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۵. پارسانسب، محمد، «بن مایه: تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و...»، نقد ادبی، شماره ۲ (۵)، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۰-۷.
۶. پاشایی فخری، کامران و ندا یانس، «واکاوی مفهوم احسان در دیوان صائب تبریزی»، مطالعات ادبی متون اسلامی، سال پنجم، شماره ۳، (پیاپی ۱۹)، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۱۹-۱۳۴.
۷. پورتر ابوت، اچ، سواد روایت، ترجمه رؤیا پورآذر و نیما م. اشرفی، اطراف، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.
۹. جمالی هنجنی، ریحانه، «سفر»، تارنمای مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، <https://cgie.org.ir/fa/article/257653/>، سفر، ۱۳۹۹ ش.
۱۰. حافظ، شمس الدین محمد، دیوان، به سعی سایه، کارنامه، تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. حزان، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۲. حزان، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ترجمه بهراد جعفری، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. حسن پور آلاشتی، حسین، طرز تازه: سبک شناسی غزل سبک هندی، سخن، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. خاکپور، محمد، «نگاه انتقادی و تحلیلی به جایگاه معنایی و ساختاری چند موتیو در شعر صائب»، زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)، شماره ۶۶ (۲۲۸)، ۱۳۹۲ ش، ص ۳۳-۶۰.
۱۶. خوانساری، آقا جمال الدین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه سید عبدالحسین رضائی، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۱. رادمنش، عطامحمد و الهام معینیان، «دنیای و تصاویر تعلیمی آن از نگاه عطار»، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۱۶، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۳۱-۱۵۰.
۲۲. زمانی، کریم، شرح جامع مثنوی معنوی، اطلاعات، تهران، چاپ پنجاه و سوم، ۱۳۹۸ ش.

۲۳. زیتونی، لطیف، معجم مصطلحات نقد الروایة، دار النهار للنشر، بیروت، ۲۰۰۲ م.
۲۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل)، آگاه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۲۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، آگاه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی شعر، فردوس، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. صائب، محمدعلی، دیوان صائب تبریزی (جلد ۱ و ۲ و ۳)، به کوشش محمد قهرمان، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۸. صائب، محمدعلی، دیوان صائب تبریزی (جلد ۴)، به کوشش محمد قهرمان، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲۹. صائب، محمدعلی، دیوان صائب تبریزی (جلد ۵ و ۶)، به کوشش محمد قهرمان، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۳۰. صادقی درویشی، محمدحسین و همکاران، «تأثیر آموزه‌های دینی در تصویرپردازی دنیا در مثنوی معنوی»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره چهاردهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۰)، ۱۴۰۰ ش، ص ۹۷-۱۱۲.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ش.
۳۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، فراهانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۳۴. طهماسبی، فریدون، «تحلیل و بررسی بن‌مایه حباب و کارکردهای تعلیمی آن در شعر صائب تبریزی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره دوازدهم، شماره ۴۸، ۱۳۹۹ ش، ص ۱۲۹-۱۴۸.
۳۵. غزالی، محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۳۶. فتوحی، محمود، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، سخن، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۳۷. فلکی، محمود، روایت داستان (تنویری‌های پایه‌ای داستان‌نویسی)، بازتاب‌نگار، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. کسایی، مریم و همکاران، «تحلیل «تصویر کانونی دنیا» در آثار ناصر خسرو»، تاریخ ادبیات، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹ ش، ص ۱۲۳-۱۴۵.

۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، اسوه، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۴۳. مبلّغ، سیده زهرا، «دنیا»، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۲ش.
۴۴. محمدی، محمدحسین، بیگانه مثل معنی: نقد و تحلیل شعر صائب و سبک هندی، میترا، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۵. مصطفوی‌نیا، سید محمدرضی و معصومه سپهرنوش، «تأثیر و تأثر در موضوع دنیا بین صائب و متنبی»، ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره دوم، شماره ۴، ۱۳۹۰ش، ص ۱۸۵-۲۰۵.
۴۶. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام رینولد ا. نیکلسون، امیر کبیر، تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۷۱ش.
۴۷. میرصادقی، جمال و میمنت، واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، کتاب مهناز، تهران، ۱۳۷۷ش.
۴۸. میرصادقی، جمال، عناصر داستان، سخن، تهران، ۱۳۸۰ش.
۴۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق محتشمی، دانشگاه تهران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۵۰. واله داغستانی، علیقلی بن محمد علی، تذکره ریاض الشعراء، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴ش.